

قانون اساسنامه بانک ملی ایران نیز که اخیراً بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است همین طریقه را برای بنگاه نامبرده که مدتی بود این رویه را عملاً تعقیب مینمود اجباری قرار داده و حتی قدمی فزاینده و قیمتی های مذکور را با تخفیف صدی ۵۰ اتخاذ قرار داده است. حسن رستار

در خاتمه لازم است تذکر دهیم که بسیاری از شرکت هائیکه اخیراً در اساسنامه پیش بینی کرده جلب اطمینان خریداران و معامله کنندگان با شرکت را می نمایند و حتی در بعضی از کشورها مانند فرانسه طریقه مذکور برای برخی از شرکتهای مهم اجباری می باشد.

حقوق انتفاع در قانون مدنی مصر

هنگام انقضاء مدت انتفاع در صورت نابود شدن آن عوض آن را بدهد. ۲۲ - از تاج حیوانات مورد انتفاع بدو عوض حیواناتیکه بواسطه آفات آسمانی از بین رفته است بر داشته میشود و بقیه تاج حق منتفع است.

۲۳ - شخص منتفع مسئولیت خرابی یا تلف شدن مال مورد انتفاع را نخواهد داشت مگر در صورت تقصیر

۲۴ - کلیه مخارجی که برای حفظ و نگاهداری مال مورد انتفاع لازم است بعهده منتفع است و او نمی تواند مالک را ملزم بتأدیه مخارجی نماید که در این مال لازم است.

۲۵ - منتفع نمی تواند بدون رضایت مالک در ملک مورد انتفاع بنائی کرده یا درختی غرس نماید و در صورت انکار مالک منتفع باید رضایت او را وسیله نوشته یا اقرار یا بواسطه اشتهاع او از اتیان قسم رضایت او را ثابت نماید

۲۶ - حق انتفاع در موارد ذیل تمام میشود (۱) با انقضاء مدت انتفاع

(۲) در صورت تعدی یا تفریط منتفع (۳) در صورتیکه مال مورد انتفاع از بین برود

(۴) در صورتیکه منتفع مال مورد انتفاع را در غیر مورد مجاز استعمال نماید.

۲۷ - هرگاه منتفع خلاف شرایط مقرر رفتار نمود مالک می تواند حق انتفاع را فسخ نماید.

۲۸ - در صورتیکه مال مورد انتفاع مدت ۱۵ سال مورد استعمال واقع نشد نیز حق انتفاع تمام میشود.

حقوق ارتفاقیه در قانون مدنی مصر

۲۹ - ارتفاق تکلیفی است که بضرر ملکی و بمنفع ملک دیگر یا بمنفع دولت مقرر میشود کیفیت آن تابع شرایط و قرار داد عقودی است که این تکلیف را ایجاد میکند یا تابع عرف بلدی است.

۱۳ - حق انتفاع حقی است که بموجب آن شخص می تواند از ملکی که عین آن مال دیگری است استفاده نماید ۱۴ - حق انتفاع ممکن است موقت باشد یا دائم ولی فلاح حق انتفاع معمولی انتفاع موقت است. ۱۵ - حق انتفاع بشخص یا اشخاصی داده میشود که در حین اعطاء آن موجود و در قید حیات بوده باشند.

۱۶ - ممکن است در تحت نظر اداره اوقاف منافع ملکی را بعین ملک دیگر و یا برای یک نفر یا بیشتر یا بورثه آنها موقتاً وصیت نمود که از آن منافع استفاده کنند در این صورت کسر نمی تواند نسبت باین ملک حق مالکیت تام پیدا کند مگر پس از انقراض کسانی که ملک بمنفعت آنها وصیت شده است. ۱۷ - حق انتفاعی که از طرف اداره اوقاف بکسی داده میشود قابل انتقال بدیگر است و اجاره دادن و بیع شرط گذاشتن آن نیز ممکن است رعایت این قسمت طبق قانون مورخه

هفتم صفر ۱۲۸۴ (۵م ژوئن ۱۸۶۷) میباشد.

۱۸ - حقوق و وظایفی حکم برای شخص منتفع لازم الرعایه است طبق شرایط ضمن عقد انتفاع و اصولیکه در مواد ذیل مقرر است خواهد بود.

۱۹ - منتفع باید عین مورد انتفاع را در مصرفیکه برای آن تعیین شده است استعمال نماید.

۲۰ - اگر عین مورد انتفاع مال منقولی باشد لازم است آنرا از اموال دیگر تفکیک نموده فقط خود آن را مورد انتفاع قرار داد. در این صورت منتفع باید که عین در اثناء آن بدهد. اگر کفیل نداد عین مورد انتفاع بفروش رسیده و بهاء آن از طرف دولت بایگانی شده منافع بهاء منتفع داده میشود.

۲۱ - منتفعی که در اثناء مال مورد انتفاع کفیل داده است می تواند اموال قابل زوال را استعمال نماید و بجز او است که

۳۰ - حق استعمال و استفاده از آبهای دولتی باندازه و نسبت زمینهای خواهد بود که مقتضی است از آنها سیراب شوند

۳۱ - هر کس قبایلی ایجاد کند خود منحصرأ حق استفاده و فروش آنرا دارد بدون این که دیگری بتواند از آن استفاده نماید

۳۲ - هر صاحب زمینی که بر چشمه آب نزدیکتر است باید برای سیراب شدن زمینهای دوراز سر چشمه هجرائی بسازد - و این در مقابل مثل و عوض خواهد بود که قبل از ساختن مجری و پس از تعیین حاکم باو داده میشود - در موقع اختلاف باید دادگاه حکم صادر کند بساختن مجری یا کیفیتی که ایجاد آن ممکن است و در عمل و کار بآنچه با رعایت تخفیف ضرر لازم است و مالک زمینی که اراضی خود را با فئات یا ادوات سیراب می کند نمی تواند صاحبان اراضی غیر را ملزم نماید که آبهای اراضی او را با اراضی خود قبول نمایند.

۳۳ - صاحبان طبقات تحتانی عمارات را ملزم است تعمیراتی را که برای جلوگیری از افتادن و خراب شدن طبقات بالای آن لازم است انجام دهند - در صورت امتناع از انجام تعمیرات مقتضیه محکوم خواهد شد بفروش مقداری از آن مکان که متعلق باو است - علی ای حال حاکم امور جزئیة او را مجبور خواهد نمود بانجام کارها و تعمیرات ضروری

۳۴ - صاحب طبقه فوقانی نمی تواند بشاء عمارت خود را بقدری مرتفع نماید که بعلبقة پائین ضرری وارد آورد

۳۵ - چیزهایی که برای نگهداری سقف و چوبهای حامل سقف لازم است بعهده صاحبان طبقه تحتانی است زیرا طبقه تحتانی متعلق باو است و صاحب طبقه علیا در کف سازی طبقه خود از استعمال ملاط و چوب و غیره مضایقه نکند و آنرا حفظ نماید و همچنین بر او است حفظ وصیانت نردبان طبقه خود از اولین نقطه که صاحب طبقه تحتانی را بر آن نیازی نیست

۳۶ - در صورت خرابی و سقوط عمارت باید مالک طبقه پائین آنرا تجدید نماید والا دادگاه او را ملزم بفروش خواهد کرد.

۳۷ - همسایه دیوار بدیوار نمی تواند همسایه خود را مجبور بساختن دیوار یا پیا ساختن چیزی در حدود ملک خود او بنماید و همچنین نمی تواند او را ملزم نماید که

مقداری از دیوار یا زمین دیوار خود را باو بدهد و همسایه هم نمی تواند به محض اراده خود و نبودن جهة مهمی (در صورتیکه خراب کردن دیوار برای همسایه دیگری که خانه اش بواسطه این دیوار محصور میشود ضرری داشته باشد) دیوار خود را خراب نماید.

۳۸ - همسایه که روی دیوار خود ناودانی بخط مستقیم بخانه همسایه دارد نمی تواند دیوار خود را از خانه همسایه یکمتر از یکمتر فاصله قرار دهد

۳۹ - این فاصله از پشت دیواریکه ناودان روی آن قرار گرفته یا از ظاهر ناودان اندازه گرفته میشود

۴۰ - کارخانجات و چاهها و آلات بخار و جاهائیکه برای همسایگان مضر است باید از مسکن دور بوده باشد مطابق مسافاتیکه در قوانین مربوطه بآنها مندرج است.

۴۱ - باید هر مالکی طبق قوانین صحیه آبهای باران و خانه خود را در معابر عمومی یا از خانه خود بمصرف برساند

۴۲ - زمینهایی که متصل بمعابر عمومی نیستند صاحبان آنها می توانند از اراضی مجاور تحصیل ممر و معبری از برای رسیدن بمعابر عمومی بنمایند - تعیین حکم ممر و معبر با حاکم است پس از تعیین قیمت ورد آن بصاحبش

اسباب مالکیت و حقوق عینیه در قانون مدنی مصر

۴۳ - بواسطه یکی از علل ذیل مالکیت و حقوق عینیه ایجاد میشود.

- (۱) - عقود (۲) - هبه (۳) - ارث و وصیت (۴)
- وضع ید (۵) - اضافه نمودن ملحقات بملك (۶) - شفعه
- (۷) - مرور زمان .

فصل اول در عقود

۴۴ - بمجرد وقوع عقیدیکه مضمن تملیک است مال (اعم از منقول و غیر منقول) منتقل بطرف میشود - در صورتیکه مال مورد تملیک ملك خود انتقال دهنده بوده باشد

۴۵ - در ملکیت اموال منقول تصرف شرط صحت انتقال است - اگر مال مورد انتقال ملك انتقال دهنده نبود و انتقال گیرنده آنرا متعلق بانقال دهنده می داند در صحت عقد و وقوع انتقال خللی نیست - و مالک اصلی در صورت

متعلق بمنافع اموال موقوفه - احکام شرعیه محلی متبع خواهد بود.

۵۵ - در استحقاق و اهلیت موصی برای اتیان بعمل وصیت و در صیغه وصیت احکام حالات مشخصه مختصه ملتی رعایت خواهد شد که موصی تابع آن ملت است

فصل چهارم

وضع ید - در قانون مدنی مصر

۵۶ - اموال بلا صاحب ملک کسی شناخته میشود که قبل از همه آنرا تصرف نموده

۵۷ - اراضی غیر مزروعه (بایر) شرعاً متعلق بدولت است - تصرف و وضع ید بر آنها جایز نیست مگر با اجازه دولت ولی گرفتن آنها در صورت تعیین مساحت و طول و عرض طبق قوانین مربوطه بآنها ممکن است.

- زمینی که کسی در آن زراعت کرده یا درختی کاشته یا بنائی در آن نموده ملک طلق آن کس شناخته میشود در صورتیکه این زمین در ظرف مدت پانزده سال متوالی پنج سال مورد استعمال شخص متصرف واقع نشود حق مالکیت او ساقط خواهد شد.

۵۸ - دفینه مجهول المالك بملکیت مالک زمین شناخته میشود - و اگر زمین مزبور مالک معینی ندارد دفینه مال کسی است که آنرا یافته است - و در هر صورت باید طبق قوانین مخصوصه بدفائن آنرا بدولت مسترد دارد

۵۹ - شکار حیوانات دریائی و صحرائی تابع مقررات مخصوصی است

فصل پنجم

اضافه ملحمات بملك - در قانون مدنی مصر

۶۰ - نهريهائیکه متدرجاً بر میشود بصاحب زمینی که آن زمین در کنار آنها واقع است متعلق است

۶۱ - زمینهاییکه در اثر قوت جریان نهرها پیدا میشود - همچنین جزایریکه در نهرها ظاهر میشود تابع قانون مصوب ۱۲۷۴ خواهد بود.

تلف و سرقت شدن می تواند آنرا مطالبه نماید.

۴۶ - در اموال غیر منقول مالکیت و حقوق عینی بغیر از متعاقبین ثابت نمیشود مگر در صورتیکه مطابق قانون تسجیل گردد.

فصل دوم

هبه در قانون مدنی مصر

۴۷ - بمحض وقوع ایجاب از طرف واهب و قبول از طرف متهب مالکیت اموال موهوبه (اعم از منقول و غیره) منتقل بمتهب میشود

۴۸ - اگر هبه باصورت و وصف عقد دیگری واقع شود - هبه و قبول آن باطل است - مگر در صورتیکه بواسطه عقد رسمی واقع شده باشد.

۴۹ - در صورتیکه تسلیم فعلی مال منقول از طرف واهب و تصرف آن از طرف متهب ممکن باشد تحریر عقد رسمی هبه لزومی ندارد و با تسلیم آن از طرف واهب و تصرف آن از طرف متهب هبه واقع میشود.

۵۰ - هرگاه قبل از قبول متهب واهب فوت کند یا فاقد اهلیت تصرف شود هبه باطل است

۵۱ - اگر متهب قبل از قبول هبه فوت نماید ممکن است قبول آن از طرف ورثه او واقع شود - اگر متهب اهلیت قبول را نداشته و در حین هبه فوت کند در صورت قبول آن از طرف قائم مقام او هبه صحیح خواهد بود

۵۲ - غیر از واهب و متهب نمی توانند بپسند اموال غیر منقول استناد نمایند مگر طبق مقررات و قوانینی که مربوط بتسجیل عقد هبه می باشد.

۵۳ - هیچکس نمی تواند برای فرار از دین و احتراز طلبکاران مال خود را وقف نماید و در صورت وقوع وقف باطل است.

فصل سوم

ارث در قانون مدنی مصر

۵۴ - احکام ارث تابع مقررات حالات مشخصه مخصوصه ملتی است که متوفی از افراد آن ملت است - در حق الارث

۶۲. نقاطی که از دریاچه‌ها پرمیشود متعلق بصاحبان دریاچه است - ولی زمینهاییکه از آنها دریای نیک کشف میشود متعلق بدولت است .

۶۳ - کسی نمیتواند از اراضی دریاها تصرف نماید مگر باندازه حدود ملک خود که جزء دریا شده است .

۶۴ - اگر مالک زمینی با آلات و مهمات و مصالح دیگری در زمین خود اشجاری غرس کرده یا عمارتی بسازد باید قیمت مهمات و مصالح را بصاحب آنها بدهد - در صورتی که از روی تقلب و تزویر این اقدام را نموده باشد باید عوض آنها را بصاحبش رد کند و برای صاحب مهمات و مصالح قلع آنها جایز نیست .

۶۵ - اگر غرس یا بناء یا عملیات دیگری بواسطه مهمات و مصالح خود شخص در زمین دیگری بعمل آید - مالک زمین میتواند آنها را در زمین خود بهمان حال بگذارد یا مالک مهمات و مصالح را مجبور بقلع آنها بنماید - در صورت دوم مخارج قلع آنها بعهده صاحب مهمات است بدون اینکه بتواند عوض مختصری مطالبه کند و ممکن است فاعل و صاحب مهمات و مصالح را بتأدیه خساراتیکه بر مالک زمین وارد آمده محکوم نمود

در صورت اول یعنی اگر بخواهد مصالح و مهمات در زمین او بماند میتواند قیمت غرس و بنائی را که قلع آنها

لازم است بصاحب آن بدهد . یا قیمتی را بدهد که مساوی است با مقداری که بواسطه حدوث غرس و بناء بآن زمین افزوده شده اگر کسی بگمان اینکه زمین مال خود است در آن غرس یا بنائی نماید و بعداً بواسطه صدور حکمی که عدم تزویر و تقلب او در تصرف و غرس و بناء در آن محرز شده باشد از آن زمین خلع ید نموده باشد - مالک نمی تواند ازاله و قلع آنها را بخواهد بلکه میان دفع قیمت مهمات و یا قیمتی که بواسطه حدوث غرس و بناء بر قیمت زمین افزوده شده است مختار خواهد بود .

۶۶ - هرگاه غرس و بناء و غیر آن در زمین غیر با مهمات و مصالح غیر شده باشد صاحب مصالح نمیتواند عین مهمات و مصالح را مطالبه کند بلکه باید بقدر مطلوب عوض آنها را از مالک زمین یا از کسیکه غرس و بنا را کرده است بخواهد

۶۷ - هرگاه دو چیز منقول که هر یک مال دیگری است طوری مخلوط یا ملصق بیکدیگر بشود که تفکیک و جدا نمودن آنها غیر ممکن باشد - دادگداها باید با رعایت خسارات وارده و با مراعات حالات صاحبان آنها و با ملاحظه اینکه عقیده هر یک از دو طرف در موقع خلط و الصاق چه بوده است و بمقتضای عدل و انصاف حکم صادر نماید .

۱۰۴ بدیع تبریزی